

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۷

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۵/۱، بهار ۱۳۹۷

تأثیر اندیشه مهدویت بر افعال فردی و اجتماعی

سید مسعود پورسیدآقایی^۱

محسن رحمانی زاده^۲

چکیده

مهدویت اندیشه نجات بشر از هرچه بی عدالتی و نابرابری است. مهدی یک فرد الهی از فرزندان فاطمه و دوازدهمین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و خاتم آنهاست. تبیین صحیح این اندیشه می تواند سبب تحوّل عمیق در احساس و رفتار انسان شود به گونه ای که حرکت به کمال و سعادت بشری شتاب یابد و زمینه ساز ظهور امام مهدی علیه السلام گردد. این تحولات در حوزه افعال جوانحی و جوارحی فردی عبارتند از: توسعه و تعمیق معرفت، انقیاد و پذیرش، امید به آینده ای روشن، ترس از گرایش به باطل، دوستی و دشمنی در راه خدا، تلاش فراوان، صبر و استقامت، دعا و توسل برای دیندار ماندن و ظهور امام زمان علیه السلام، آراستگی به صفات یاران ولی عصر علیه السلام. در حوزه اجتماعی نیز عبارتند از: حرکت در راه گسترش عدالت و مبارزه با ظلم، گسترش اندیشه مهدویت و نیروسازی، مقابله با تعالیم انحرافی و آسیب های مهدوی، استقرار حکومت الهی، ایجاد امنیت برای امام.

واژگان کلیدی

مهدویت، موعود، افعال، افعال فردی، رفتار اجتماعی.

۱. استاد درس خارج حوزه علمیه قم.

۲. دانشجوی سطح چهار مرکز تخصصی کلام (مؤسسه امام صادق علیه السلام) قم (نویسنده مسئول) (m.r1694@iran.ir).

مقدمه

« اعتقاد به مهدویت، چه تغییراتی و تأثیراتی را در رفتارهای فردی و اجتماعی سبب می‌شود؟ » پرسش اصلی این نوشتار می‌باشد. فرضیه نوشته این است: اعتقاد به مهدویت، اگر تبیین صحیحی از آن ارائه شود، می‌تواند سبب تحوّل عمیق در باورها و به تبع آن در رفتارها شود به گونه‌ای که حرکت به کمال و سعادت بشری شتاب یابد. به علاوه این اندیشه زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام می‌گردد. توضیح بیشتر این که اگر اعتقاد به مهدویت را به گونه‌ای معنا کنیم که نتیجه‌اش، انتظار صرف و دست روی دست گذاشتن باشد، حاصل این باور چیزی جز ویرانی و خمودی نیست و اگر آن را چنان معنا کنیم که باید زمینه‌ساز ظهور بود، پویایی در فرد و اجتماع رقم می‌خورد.

با این بیان، اهمیت و بلکه ضرورت تحقیق آشکار می‌شود؛ چرا که این تحقیق با نشان دادن تغییرات مثبتی که در اعتقاد به امام مهدی علیه السلام است، اهمیت این اعتقاد را نشان می‌دهد. آن‌گاه که اهمیتش آشکار شود، به آن اقبال می‌شود و آن هنگام که به مباحث مهدویت اقبال شود، سعادت‌ها و تغییرات سازنده‌ی اعتقاد به مهدویت، خصوصاً ظهور زودتر منجی عالم، تحقق می‌یابد. به علاوه، اصلاح رفتار در تبیین درست از مهدویت است، پس خطر تبیین‌های انحرافی - که از این تغییرات سازنده به دور هستند و چه بسا تغییرات مخرب را در پی دارند - گوشزد می‌شود. پیشینه این تحقیق را می‌توان در احادیث و به تبع آن‌ها، در آثار علمی متفکران اسلامی یافت. روش نگارنده، کتابخانه‌ای و تحلیلی است؛ یعنی با گردآوری نصوص از منابع و نیز تحلیل اندیشه مهدویت، تأثیراتش بیان می‌شود.

مفهوم‌شناسی

در ابتدا می‌بایست مقصود را از مفاهیم و واژگان کلیدی این تحقیق، مشخص نمود. بنابراین در پی پاسخگویی به چستی موعود، مهدویت، افعال، افعال فردی و افعال اجتماعی؛ بحث پیش رو ارائه می‌گردد.

موعود یعنی اعتقاد به منجی بشر از شرور اخلاقی و ناعدالتی. شاید عده‌ای معتقد باشند، منجی آخرالزمان، آنان را از بلایا و شرور طبیعی - مانند: قحطی، خشکسالی، زلزله و... - هم نجات می‌دهد، اما اندیشه عمومی مردم دنیا را اعتقاد به نجات بخشی می‌سازد که آنان را در جنگ میان حق و باطل، از ظلم‌رهایی می‌دهد. به دیگر سخن، نظر عمومی درباره منجی، رهایی از ظلم و شرارت‌های انسانی، و برقراری حکومت عدل بر زمین است. این منجی رهبر

اهل حق در نبرد پایانی می باشد. موعود طبق این توضیحات، عنوانی کلی است که بر رهبر فاتح اهل حق در آخرین جنگ حق و باطل صادق است خواه او را از فرزندان تولد یافته امام حسین علیه السلام بدانیم و خواه از فرزندان تولد نایافته امام حسن مجتبی علیه السلام، خواه او را مسیح بدانیم و یا موعود زرتشت؛ می توان از موعود به مهدویت عام و کلی نیز تعبیر کرد؛ یعنی شخص هدایت شده ای که رهبر خوبان آخرالزمان است. اما اگر همین اعتقاد تعین یابد و از مشخصاتش گفته شود - مثلاً این رهبر منجی، معصوم، خلیفه الهی و امام واجب الإطاعة است؛ پدرش حسن بن علی عسکری علیه السلام است و... - با مهدویت معین مواجه می شویم.

مقصود از افعال چیست؟ افعال جوانحی و جوارحی. برای افعال و اعمال جوانحی و قلبی این مثال ها ذکر شده است: ایمان (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۷، ۲۷۲؛ سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۴۶۶)، اعتقاد حق و نیت پاک (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۴۴)، تصمیم بر اطاعت و ترک گناه (حلی، ۱۳۶۳ش: ۱۱۲) و حتی ظاهر عبارات برخی ملکات پسندیده اخلاقی که در نفس رسوخ کرده است، را شامل می شود (کاشانی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۱۱۶۱) در مقابل هر رفتاری که از قلب و روح به اعضاء و جوارح سرایت کند، رفتار جوارحی است. رفتار جوارحی پس از نیت و عزم ارتکاب، تکوین می یابد؛ به عبارتی، پس از رفتار جوانحی، تحقق می یابد. (سبحانی، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۳۱۱) راستگویی، غذا دادن به دیگران، مناظره و... که همه با اعضاء بدن انجام می گیرد، مثال های افعال جوارحی است. انسان هم بینش و معرفت دارد و هم احساس و گرایش و هم کنش و رفتار بدنی. عرصه بینش و گرایش را می بایست فعل جوانحی دانست و عرصه کنش را جوارحی.

امور فردی چیست؟ چه حیظه هایی دارد؟ آن چه تنها قائم به یک شخص است. بنابراین هر عمل و فعلی که در حیظه فردی قرار گیرد، از افعال فردی شمرده می شود.

امور اجتماعی چیست و چه حیظه هایی دارد؟ هر آن چه به بیش از یک فرد قائم است. به عبارتی آن چه از ارتباط افراد با یکدیگر، فهمیده می شود را امور اجتماعی می نامیم. در امور اجتماعی، بیش از یک فرد وجود دارند که با هم ارتباط دارند؛ ارتباط به گونه های مختلف می تواند باشد؛ ارتباط تقابلی و تعاونی. ارتباط تعاونی یعنی هر ارتباطی که در جهت تأمین نیازی واحد باشد. می توان ارتباط دو دوست، زن و شوهر، ارتباط همزیستی یک خانواده یا فامیل یا یک ملت را مثال این سنخ دانست. ارتباط تقابلی، تضارب دست کم، میان دو فرد است که بر سر چیزی تدافع و تقابل دارند؛ به نحوی که تأمین خواسته خود را در منع و کنار زدن دیگری می بینند. هر رفتاری که در ارتباط اجتماعی باشد، رفتاری اجتماعی است.

اجتماع چیزی غیر از ملاحظه و در نظر گرفتن آحاد و افراد نیست و آن رفتاری که - دست کم - با ملاحظه دو فرد، ادراک می‌گردد و خبر از ارتباط بین آن دو فرد می‌دهد - خواه به نحو تقابل باشد و خواه تعاون - رفتار اجتماعی است. این رفتار می‌تواند در میان خانواده باشد که نیاز به همزیستی دارند و تأمین آن نیاز، آنان را در کنار یکدیگر قرار داده است و نیز می‌تواند در میان یک خاندان و فامیل باشد که نیاز افراد - چه نیاز روحی و عاطفی و چه نیاز غیر عاطفی - را تأمین می‌کند. همچنین می‌تواند در اهل یک وطن یا یک آیین یا تمام افراد نوع انسان باشد. در این صورت اجتماع وطنی، اعتقادی و انسانی تشکیل می‌یابد. چنانچه گذشت، اصطلاح اجتماع به ارتباط افراد تعلق دارد و منظور از آن افراد یک نوع می‌باشد؛ پس نباید ارتباط میان افراد نوع انسان و نوع اسب را اجتماع دانست.

تأثیر اعتقاد به مهدویت در افعال فردی

معرفت حداقلی به امام مهدی عجله الله تعالی فرجه - که توضیحش در «۱-۲» خواهد آمد - موجب معرفت‌های بعدی و نیز حس انقیاد و پذیرش نسبت به آن حجت خدا می‌شود. همچنین معرفت به آن ولی خدا، سبب امید و ترس یعنی دو حس خوف و رجاء می‌گردد، امید به آینده و ترس از به دامان باطل غلطیدن. به علاوه، این آموزه موجب حس دوستی و دشمنی می‌شود؛ دوستی خدا، امام، یاران و اهداف او و نیز دشمنی با دشمنانش. آن‌چه ذکر شد، همه افعال جوانحی هستند. آن‌گاه تلاش و اقدام جهادی، تحمل و استقامت، دعا و توسل که افعال جوارحی هستند، ذکر می‌شود. بنابراین سعی شده است، ابتدا امور بینشی، سپس احساسی و گرایش، آن‌گاه امور کنشی طرح گردد. اما با این وجود، پیوسته نمی‌توان در بحث از تأثیرات، یک نظم و ترتیب حقیقی مد نظر قرار داد؛ زیرا برخی تأثیرات در عرض هم از یک بینش، نشأت گرفته و میان‌شان تقدم و تأخری نمی‌یابیم؛ مثلاً امید به آینده، ترس از میل به باطل و نیز حس دوستی و دشمنی، همه در عرض یکدیگر، از معرفت به امام ناشی می‌شوند. در کنار آثار یاد شده، نباید انتظار را ذکر کرد؛ زیرا بسیاری از این آثار، از آثار انتظار هستند.

توسعه و تعمیق معرفت (معرفت‌افزایی)

مهدویت معین - در مقابل مهدویت عام - یعنی اعتقاد به این‌که فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، امامی معصوم، واجب‌الاطاعة و منجی آخرالزمان است. این معرفت و باور به امام زمان علیه السلام حداقلی است که با بودنش شخص، شیعه دوازده امامی می‌شود و به معرفت واجب دست می‌یابد (مجلسی، ۱۴۱۴ق: ج ۸، ۵۴۹) آن‌گاه زمینه برای معرفت بیشتر، فراهم

می‌گردد؛ یعنی به دنبال شناخت اهداف، آرمان‌ها، رضایت و نارضایتی حضرت رفته؛ از سیره‌اش و... می‌پرسد. آیا انگیزه شناخت عقیده، هدف و سیره یک حاکم به مانند انگیزه شناخت هدف و سیره امام معصومی است که می‌بایست از او پیروی کنیم؟! مسلماً انگیزه شناخت امامی که سعادت دنیوی و اخروی مان در پیروی اوست از انگیزه شناخت غیر امام بیشتر است. به تعبیری دیگر، شناخت امام مراتب و درجات مختلفی دارد، با حصول درجه حداقلی، زمینه برای حصول درجه بیشتر نیز فراهم می‌شود.

از منظری دیگر نیز می‌توان، انتظار معرفت‌افزایی را داشت: معرفت به صفات یاران حضرت. مهدی‌باور که به اهداف و سیره آن حجت الهی پی برده و می‌داند، در راه تحقق اهدافش، کسانی او را یاری خواهند کرد، نخست در پی شناخت صفات و ویژگی‌های یاورانش رفته و دوم خود را به آن صفات می‌آراید.

انقیاد و پذیرش

اعتقاد به مهدویت یعنی معرفت و تصدیق امام زمان علیه السلام. با این معرفت، مقدمه سعادات دیگری حاصل می‌گردد؛ از جمله: هدایت تشریحی و پی بردن به احکام شرعی (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۴۳۵. ۴۳۴). شخص وقتی امام غایب را به عنوان امام واجب الإطاعة و معصوم بپذیرد؛ در این صورت رفتار، گفتار، امر و نهی او را صحیح و معیار حق می‌داند. آن گاه اگر به نظر امام دست یابد، نظرش را ملاک و معیار قرار می‌دهد؛ پس اگر بداند در زمان غیبت یا پس از ظهور کاری مطلوب اوست، مطلوبش را حق می‌داند. این معرفت، مقتضی حسی درونی در شخص هست که آن را انقیاد و پذیرش می‌نامیم؛ یعنی حس خضوع و پذیرش حرف، نظر و هدف امام.

امید به آینده و پیروزی حق

حضرت عیسی علیه السلام پیرمردی را دید که با بیلش، زمین کشاورزی را شخم می‌زد. از خدا خواست که آرزو و امید از دل او برود، پیرمرد بیل را به زمین گذاشت و دراز کشید؛ سپس حضرت از خدا خواست که آرزو و امید به او برگردانده شود، او برخاست و به کارش ادامه داد. آن گاه حضرت از او علت کار نکردن و کار کردنش را پرسید و در جواب گفت: لحظه‌ای به خود گفتم: با این پیری تا کی می‌خواهی کار کنی؟! به همین روی، بیل را بر زمین گذاشته و دراز کشیدم ولی بعد با خود گفتم: به ناچار تا زنده‌ای باید کار کنی، پس بیل را برداشتم. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۴، ۳۲۹) با این حدیث، ارزش امید آشکار می‌شود. طبق این روایت، تلاش آن جا

قدم بر می دارد که امید آمده باشد و آن جا که امید نیاید، تلاش هم نمی آید. پس می توان گفت: اگر می خواهید اهل حق را از تلاش برای سلطه حق، کنار بزنید؛ کافی است ایشان را نا امید کرده، آن گاه حذف می شوند و باطل حاکم می گردد. به این ترتیب رواج ناامیدی در حق جویان خدمتی به لشکر شیطان؛ و در مقابل، اندیشه مهدویت - که خبر از پیروزی حق و آینده ای روشن برای بشریت می دهد - اندیشه ای امید بخش و زمینه ساز حکومت حق است. ایجاد امید یک تغییر و یک اصلاح در رفتار قلبی و فردی تلقی می گردد. شاید به همین جهت، زبان برخی از روایات، «بشارت باد که مهدی زمین را پراز عدل و داد می کند»، می باشد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳ش: ج ۱، ۳۳۷-۳۳۴) اساساً بشارت، مژده و امید دادن است.

ترس از گرایش به باطل

همان گونه که مهدویت خبر از پیروزی خوبی می دهد، خبر از زوال و درهم کوبیده شدن بدی و بدکاران نیز می دهد. نتیجه چنین باوری ترس از گرایش به باطل و بدی است. بنابراین باور مهدویت، اثری بازدارنده دارد و مانع می شود، فرد در زمره اهل باطل قرار گیرد. ترس از گرایش به باطل، اثر تربیتی این باور والاست که از افعال جوانحی شمرده می شود.

دوستی و دشمنی در راه خدا

دوستی و دشمنی در راه خدا، از ارزش بالایی برخوردار است؛ به گونه ای که آن را معیار خیر بودن و محبوب بودن نزد خدا دانسته اند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۳۲۸) در جایی دیگر، گفته اند: آنان که به خاطر خدا دیگران را دوست می دارند یا دشمن می شمارند، بی حساب به بهشت می روند. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۳، ۳۲۷-۳۲۶) اندیشه مهدویت در میان معتقدان به آن، از چند جهت می تواند سبب محبت و بغض در راه خدا شود. اول: آن که، معتقد به امام باشد و او را معیار حق بداند، در او حس محبت به خدا حاصل می شود؛ زیرا خداوند به او چنین نعمتی عطاء کرده است. بنا به نصوص دینی توجه به نعمت الهی، سبب محبت به خدا می شود (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۴، ۳۸) اساساً طبع انسان این چنین است که اگر از کسی، محبت یا لطفی را ببیند به او گرایش می یابد. دوم: آن که مهدی باور با شناختن امام، نسبت به او محبت می ورزد؛ زیرا او را سراسر کمال و خوبی می یابد و طبعاً نفس کمال خواه انسان، به کامل عشق می ورزد. سوم: آن که نسبت به دشمنان او، دشمن و منزجر

۱. در منبع مذکور، به نقل از کتب اهل سنت آمده است: «أبشروا بالمهدی رجل من قریش، من عترتی یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال، فیملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».

می‌شود؛ چنان‌چه نسبت به دوستانش نیز علاقه‌مند می‌گردد. حس دوستی و دشمنی از مرز احساس و گرایش می‌گذرد و در کنش جوارح نمود می‌یابد. از جمله: نهایت تلاش برای انجام اهداف مقدس؛ استقامت و صبر در برابر موانع آن اهداف و بزرگداشت، که در ادامه بیان می‌شود.

نهایت تلاش (اقدام جهادی)

تفکر مهدوی می‌تواند مقتضی ایجاد یک نوع صفت، برای کنش‌های فرد منتظر شود؛ یعنی نهایت تلاش و کوشش که در ادبیات امروزی اقدام جهادی نامیده می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: افضل جهاد امتی انتظار الفرج (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷) تلاش برای ساختن و ایجاد کردن؛ یعنی تحقق جامعه موعود و بنا کردن اهداف امام. اهدافی همچون عدالت و قسط و... گویا «لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا» که در روایت آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۸)، ناظر به همین صفت یاران حضرت اباصالح ﷺ می‌باشد.

صبر و استقامت

مهدویت، هدف‌آفرین و امیدساز است و هدف و امید، هم تلاش و صبر در کارها را به دنبال دارد و هم در رویارویی و مقابله با دشمنان، استقامت را در پی دارد. منتظر به راحتی از اهداف خود دست نمی‌کشد و موانع او را از تلاش باز نمی‌دارد. از منظر روایات، دین‌داری در دوران غیبت، بسیار سخت است ولی خیلی با ارزش تلقی شده است. باید توجه داشت که «نهایت تلاش» و «تحمل و صبر» و «استقامت» با یکدیگر، متفاوتند. «جهاد» ناظر به ایجاد و تحقق اهداف با همه توان است و «صبر» تحمل مشکلات در راه رسیدن به اهداف و «استقامت» ایستادگی در رویارویی و مقابله با دشمنان است.

دعا و توسل

اهداف بلند با مشکلات و سختی‌های توانفرسایی روبروست. منتظر بدون درخواست و کمک از ذات ربوبی و بدون توسل به او، راه به جایی نمی‌برد. همین است که از جمله تعالیم آموزه مهدویت، دعا و استعانت از خداوند است. در روایات فراوانی آمده است: به هنگام نبود امام و هادی‌تان، از حیرت نجات نمی‌یابید، مگر آن‌که دعای غریق را بخوانید. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳ش: ج ۱، ۳۴۱-۳۴۰) در جایی دیگر امر شده است، دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي...» خوانده شود. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۱۴۹-۱۴۸) در دعاهایی دیگر فقراتی مانند «عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» ذکر شده (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ۵۸) که دعای برای

فرج را می آموزد. شبیه این فقره را در موارد دیگر هم می توان یافت (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۵۱۳).

آراستگی به صفات یاران ولی عصر علیه السلام

منتظر نه تنها منتظر را دوست دارد که هر کس را هم که منتظر را دوست داشته باشد و در راه و مسیر او باشد دوست دارد. باید یاران امام را شناخت و خود را به ویژگی های آنان آراست. ویژگی هایی مانند: ایمان و معرفت به خدا و دین، فرمان برداری از امام، ایثار جان خود برای او، عشق به شهادت، ترس از خداوند، عبادت و مناجات شبانه، شجاعت و... که در نصوص برای یاران حضرت ذکر شده است. ۱. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۰۸)

تأثیر اعتقاد به مهدویت در افعال اجتماعی

حرکت در راه گسترش عدالت و مبارزه با ظلم

انتظار در اهداف و رفتارهای شخص اثر می گذارد؛ زیرا عقیده مهدویت، امام زمان علیه السلام را مبارز قاطع با ظالمین می داند (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۴۰) او کسی است که زمین را پراز عدل و قسط می کند، همان گونه که پراز ظلم و جور شده بود. (قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۴۵؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۱۶۱) حال جای این پرسش است که آیا پذیرفتنی است که کسی به امام عشق بورزد ولی به خواست محبوب (عدالت گستری و ظلم ستیزی)، بی اعتناء باشد؟! آیا غیر از این است که محب در پی جلب رضایت و خواست محبوب قدم برمی دارد؟! همین است که قرآن می فرماید: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...﴾ (آل عمران: ۳۱) تجلی محبت در اطاعت است.

گسترش اندیشه مهدویت و نیروسازی

برای غیبت امام دوازدهم، عللی از امامان شیعه ذکر شده است. در جایی فرموده اند: مجاز نیستیم علت غیبتش را بیان کنیم و این امر پس از ظهورش، آشکار می شود. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۲) اما در اخباری دیگر، برای غیبت ایشان دلایلی ذکر شده است؛ از جمله: تا مجبور به بیعت با طغیانگر نباشد (خرّاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۲۲۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۷۳؛ ج ۲، ۱۵۶)،^۲ او به اندازه اهل بدر هم یاور ندارد (طبرسی، ۱۳۸۵ق:

۱. بحث از اوصاف یاران ایشان، خود مقاله ای مستقل را می طلبد و آن چه این جا نوشته شد، تنها اشاره ای گذرا می باشد.
 ۲. در منبع نخست تصریح شده است که بیعت طغیانگری را به گردن نهد ولی در منبع دوم و سوم آمده است تا با کسی بیعت و عهدی نداشته باشد و دیگر گفته نشده: آن شخص که از او بیعت می گیرد، طغیانگر است. به همین دلیل شاید کسی بر نویسنده ایراد بگیرد: وقتی واژه «طاغی» در منبع دوم و سوم نیامده است، استناد دادن به آن درست نیست. در

۶۴)، ترس از کشته شدن (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۱۵۹؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۷) و... وقتی انتظار در دل افراد بنشیند؛ یعنی از وضع کنونی روی گردان شوند و خواهان وضعی دیگر با حضور امام شان شوند؛ در پی برداشتن این موانع می‌روند.

نخستین مانع، خطر تنهایی و غربت امام می‌باشد. افراد منتظر باید کاری کنند که یاوران حضرت، فراوان باشند؛ زیرا او برای اجرای اهدافش به یاران خالص نیاز دارد. بنا به روایات او با کمتر از ده هزار نفر ظهور نمی‌کند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۴) پس جامعه مهدی باور، ابتدا مهدویت را تعلیم می‌دهد و آن‌گاه دوستی و دشمنی در راه خدا حاصل می‌شود؛ یعنی به آن امام و مقتدا، عشق می‌ورزند؛ از دشمنانش منزجر و به یارانش متمایل می‌گردند. عشق، عاشق را در جهت رضایت و خواست معشوق، سوق می‌دهد و حرکت در جهت خواست محبوب - که از جمله خواسته‌هایش، اهداف اوست - چیزی غیر از یاری دادن نیست. بدین ترتیب با تعلیم اندیشه مهدویت، بر یاران آن امام همام افزوده می‌شود و مانع غربت امام مرتفع می‌گردد.

مقابله با تعالیم انحرافی و آسیب‌های مهدوی

همان طور که تعالیم مهدوی منجر به نیرو سازی برای حضرت بقیة الله می‌شود، فرقه‌ها و تعالیم انحرافی می‌تواند به یاری او ضرر برساند. در روایتی فرقه‌ای را ذکر می‌کند که در کوفه به جنگ با او روی می‌آورند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۳۸) هم اکنون نیز می‌بینیم که وهابیت با جمودش بر طبل انکار و شبهه در باور اصیل مهدویت می‌کوبد. شبهات می‌تواند به این باور و تأثیراتش ضربه بزند. همان گونه که تفسیر نادرست به تأثیرات و نیرو سازی ضربه می‌زند. رهبر معظم انقلاب در سخنانی، معنایی نادرست از انتظار را نقل کردند که انقلاب، آن را از بین برد و یا کم رنگ کرد:

یک معنای انحرافی در باب انتظار بود... کسانی که مغرض یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را بر طرف نماید!^۱ (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵ق: ۳۱)

پاسخ با کنار هم قرار دادن دیگر تعالیم مذهب می‌گوییم: هیچ‌کس بر امام نباید تقدم یابد و حکومت را به دست بگیرد؛ او حجت و امام واجب‌الاطاعة برای همه خلق است و هر کس در مسند حکم رانی و دستور به حجت خدا برآید طغیانگری است که حکومتی طاغوتی دارد.

۱. اصل این سخنرانی را می‌توان در سایت مقام معظم رهبری، بیانات، بیانات، سخنرانی ۱۳۶۹/۱۲/۱۱ ش در دیدار با اقشار مختلف مردم، به این آدرس دید: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2430>

این جاست که تعلیم انحرافی به جای نیروسازی، نیروسوزی می‌کند و به جای یاری‌رسانی، دست روی دست گذاشتن و تنها گذاشتن را تبلیغ می‌کند. در چنین میدانی است که منتظر حقیقی پا به میدان می‌گذارد و همان‌گونه که مهدویت را می‌آموزد با تعلیم انحرافی نیز مبارزه می‌کند.

استقرار حکومت الهی

در اندیشه مذهبی امامیه، هر حکومتی یا الهی است و یا طاغوتی. حکومت الهی حکومتی است که بر طبق امر خدا حرکت کند و فرمان خدا را رعایت کند؛ چنین حکومتی باید فرمان اطاعت از پیامبر ﷺ و امامان را گردن نهند و به «... أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹) عمل می‌کند. در این صورت از امام معصوم ﷺ بیعت نمی‌گیرد؛ بلکه با او بیعت می‌کند؛ به تعبیری دیگر امام را مجبور به بیعت نمی‌کند؛ بلکه با اذن امام و طبق نظر و احکامش حکومت می‌کند. به دیگر سخن نظر شیعه در حکومت چنین است: حکومت مخصوص پیامبر و وصی اوست و این حکم صریح احادیث شیعه می‌باشد. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۴، ۶۳۷) و آن که از جانب آنان اذن داشته باشد، حکومتش در راستای آنان خواهد بود؛ همچون فقهاء که جانشینان آنان معرفی شده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش: ۱۸۰؛ همو، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۳۷) در حدیثی دیگر، امر شده است در حوادثی که واقع می‌شود به راویان حدیث اهل بیت ﷺ مراجعه شود؛ چرا که امام زمان ﷺ حجت خدا بر آنان است و آنان حجت امام بر مردم هستند. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۴) بنابراین باید یاران امام، حکومت الهی تشکیل دهند تا کسی نتواند امام را بر بیعت مجبور کند.

از سویی دیگر نیز می‌توان ضرورت تشکیل حکومت الهی را بیان کرد: حکومت الهی ابزار قوی توسعه حق و عدالت است. با این ابزار می‌توان تبلیغ کرد، دین و مذهب حق را اعلام و تبیین نمود، بر یاران و دوستان ایشان افزود، مکر دجال‌صفتان را مقابله کرد و... بنابراین تشکیل حکومت الهی یکی از شکل‌های انتظار و یک زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان ﷺ است. شاید به همین روی در حدیثی آمده است:

مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت او فراهم می‌کنند.^۱ (متقی

۱. متن حدیث: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَخْرُجُ نَاشٍ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِيٍّ يَغْنِي سُلْطَانَهُ.» اربلی این حدیث را صحیح می‌شمرد و می‌افزاید در سنن ابن ماجه آمده است. مسلماً این مردم مشرقی با به قدرت رسیدن و حکومت‌شان می‌توانند زمینه‌ساز قدرت و سلطنت امام باشند.

هندی، ج ۴۰۰۰؛ اربلی، (۱۳۸۱ق: ۲، ۴۷۷)

و نیز آمده است:

پیوسته اهل بیت در بلاء هستند تا مردمی از شرق خیر را طلب می کنند ولی از آنان مضایقه می شود، آنان به قدرت رسیده و سپس آن قدرت و سلطه را به مردی از اهل بیت علیه السلام می سپارند تا زمین را پراز قسط کند همان گونه که پراز جور شده است. اگر آنان را درک کردید، نزد آنان بروید حتی اگر شده بریخ، سینه خیز بروید [تا به آنان برسید] (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۴۷۸-۴۷۷).

در روایتی از امام باقر علیه السلام نیز آمده است که مردمی از مشرق قیام می کنند و در نهایت قدرت را به امام زمان علیه السلام می سپارند. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳) این روایات می توانند ارشاد به تشخیص عقل باشد که حکومت الهی نقشی مهم در زمینه سازی ظهور حضرت قائم علیه السلام دارد. شاید این چنین مناقشه ای مطرح شود: طبق گفته شما، آموزه مهدویت می تواند در اجتماع منجر به تشکیل حکومت شود ولی این در حالی است که احادیث مهدویت برپایی هر حکومتی تا پیش از قیام حضرت قائم علیه السلام را نکوهش می کند؛ زیرا آمده است: هرکه از ما اهل بیت علیه السلام تا پیش از قائم قیام کند، شکست خواهد خورد و بر ناراحتی مان می افزاید. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳ش: ج ۱، ۳۴۳-۳۴۰) در پاسخ گفته می شود: ممکن است این دسته روایات ناظر به قیام خود ائمه و اهل بیت علیه السلام باشند؛ ثانیاً اگر به طور مطلق معنا شوند که قیام هر حق جویی شکست می خورد، باید حمل بر غالب موارد کرد؛ زیرا روایات یاد شده مردم مشرق را استثنائی نقلی قرار می دهند. وقوع انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام و مقابله رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای در مقابل استکبار شیعه ستیز آمریکا، انگلیس، اسرائیل و... نیز استثنائی تجربی است. انقلاب اسلامی در مقابل حجم سرسام آور تهمت، دروغ سازی تبلیغی انگلیس، آمریکا و وهابیت سعودی ایستاده و شکست نخورده است. اگر چالش های نظامی که غرب علیه این انقلاب فراهم کرد را ببینیم و فقط به تبلیغات ضد انقلابی شان نظر کنیم، بر پا ماندن این نظام و این که هنوز مردمش فریب نخورده اند را ببینیم، چیزی شبیه معجزه است. با چنین تجربه قطعی، چگونه می توان پذیرفت که حکومت حق طلب، قبل از قیام امام دوازدهم بر پا نمی شود. در این جا باید به روایت علوی علیه السلام نظر کرد که هر حکومتی که بر پایه عدل و عقل بنا

۱. متن: «حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ وَ لَا يُعْطَوْنَهُ فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصُرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا وَ لَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَدْفَعُوها إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُها قِسْطاً كَمَا مَلْئُوهَا جَوْراً فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ خَبِوا عَلَى النَّجْحِ».

شود، خداوند دوستداران آن را یاری و دشمنانش را تنها می‌گذارد. (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۹) خواه در دوران غیبت باشد یا به هنگام ظهور. ثالثاً در بعضی از کتب حدیثی، روایاتی تحت عنوان «احادیث جعلی در وجوب اطاعت از سلطان» آمده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳ش: ج ۶، ۲۵۳۳-۲۵۳۲) که نشان می‌دهد سلاطین ستم‌پیشه برای این که مردم را از قیام باز دارند و به تبعیت از خود ملزم کنند، دست به جعل حدیث زده‌اند؛ احادیثی جعلی که با قیام امام حسین علیه السلام علیه سلطان ظالم، لزوم نهی از منکر، زمینه‌سازی برای ظهور امام دوازدهم و... ناسازگار است. بدین ترتیب نباید از احتمال تحریف در روایاتی که مناقشه‌کننده به آن‌ها استناد کرد، غفلت ورزید.

ایجاد امنیت برای امام

ذیل عنوان «۲-۳»، به استناد نقل یکی از علل غیبت، عدم امنیت جانی برای حضرت مهدی علیه السلام ذکر شد و گذشت که باید این مانع برداشته شود. داشتن یاور و تشکیل حکومت، هر یک به نوعی می‌تواند این خطر را کمتر کند ولی علاوه بر آن باید مردم نحوه حفاظت از جان امام را بیاموزند.

تأثیر موعود (مهدویت عامه) در افعال

تاکنون هر چه گفته شد بررسی تأثیر مهدویت معین در اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی بود. که این مهم‌ترین بحث از نظر نگارنده می‌باشد. اکنون در پی آنیم که بدانیم: «مهدویت کلی کدام یک از این تغییرات و تأثیرات را در پی دارد؟» از میان اصلاح اعمال فردی، مهدویت کلی نمی‌تواند، معرفت‌افزایی که مبتنی بر مهدویت معین است را رقم بزند ولی می‌تواند امید به آینده، ترس از گرایش به باطل و حتی دعاء برای آمدن منجی را سبب شود. یک غیرمسلمان خدا باور، نیز می‌تواند از خدای خود، آمدن منجی و پیروزی حق بر باطل را بخواهد. از میان اعمال اجتماعی، اشاعه مهدویت کلی (رهبر اهل حق در نبرد با باطل) می‌تواند موجب حرکت در راه عدالت و نفی ظلم و ظالمین شود. همچنین یاران منجی را افزایش دهد؛ زیرا شخص معتقد است رهبر حق با مردم حق جو به جنگ تباهی می‌رود. و نیز لزوم برقراری امنیت برای این رهبر را در پی دارد.

نتیجه‌گیری

«تأثیر مهدویت بر افعال فردی و اجتماعی» در پی پاسخ به پرسش «اعتقاد به مهدویت، چه تغییرات و تأثیراتی را در رفتارهای فردی و اجتماعی، سبب می‌شود؟» است. در این نوشته،

فرضیه «ارائه تبیین صحیحی از اعتقاد به مهدویت می‌تواند سبب تحوّل عمیق در رفتارها شود به گونه‌ای که حرکت به کمال و سعادت بشری شتاب یابد و زمینه‌ساز ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه گردد». در حوزه افعال فردی و اجتماعی ثابت شد؛ به این بیان که در افعال فردی:

مهدویت معین سبب معرفت‌افزایی؛

امید به آینده و امید به پیروزی خوبی‌ها؛

ترس از ورود به باطل؛

احساس دوستی خدا، صاحب زمان عجله الله تعالی فرجه و یارانش و نیز دشمنی دشمنانش؛

اقدام جهادی و سعی بلیغ در رسیدن به اهداف؛

صبر و استقامت در مقابله با موانع؛

دعا و توسل و آراستگی به صفات یاران امام را به دنبال دارد.

در حوزه افعال اجتماعی نیز آثار:

حرکت در راه گسترش عدالت و مبارزه با بیدادگری؛

گسترش اندیشه مهدویت و نیروسازی؛

مقابله با تعالیم انحرافی و آسیب‌های مهدوی؛

استقرار حکومت الهی و ایجاد امنیت برای امام را در پی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم ودرر الکلم، ج ۲، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ج ۶، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____، کمال الدین وتمام النعمة، ج ۲، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار، ج ۱، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن طاوس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
- _____، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ج ۱، قم، مؤسسة صاحب الأمر علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- حلّی، حسن بن یوسف (علامه)، انوار الملکوت فی شرح الباقوت، ج ۲، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۳ش.
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأئمة فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، تحقیق حسینی کوهکمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
- خامنه ای، سیدعلی، میراث فاطمی، به کوشش سید محمدباقر حسینی، ج ۴، قم، مسیا، ۱۳۹۵ش.
- سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل، ج ۳، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- _____، محاضرات فی الإلهیات، تلخیص علی ربّانی گلپایگانی، ج ۱۱، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین (علامه)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم، مکتبة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.

- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ج ۲، نجف، مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۵ق.
- طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، قم، مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ق.
- _____، الأمالی، ج ۱، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمى، ج ۳، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کاشانی، محمد بن مرتضی (فیض)، علم اليقين فی أصول الدين، ج ۱، قم، انتشارات بيدار، ۱۴۱۸ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، گوهر مراد، ج ۱، تهران، نشر سایه، ۱۳۸۳ش.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، ج ۱، تهران، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ق.
- مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
- مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ج ۲، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ق.
- _____، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت، دارالإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، همراه با ترجمه شیخی، ج ۴، قم، دارالحديث.
- نُعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی